

علی اصغر حاج سید جوادی

اموشی نوری در ظلمات، به مناسبت درگذشت محمد مدیر شانه چی



محمد مدیر شانه چی رفیق چند ساله ی روزگار آوراگی ما، در زادگاه مالوف خود مشهد چشم از جهان فرو بست . او به مسلمانی شهره بود اما در طول و عرض جغرافیایی ایمان مذهبی هیچگاه بر اصالت مبارزه ی ۴ فرزند جوان خود که با تفکر چپ به دست شاه و شیخ ، معدوم شدند خط بطلان و انکار نکشید.

مردی بود صریح الهجه که بر سر ایمان به آزادی و طهارت اخلاقی و دشمنی با قلدری و طراری، اهل معامله و چانه بازاری نبود.

در سال های سیاه حکومت شاه، سفره اش به روی اهل منبر، آن ها که از زادگاهش مشهد به امید کیسه ی فتوت بازار تهران به پایتخت می آمدند پیوسته گشوده بود. اما این مبلغان کلام خدا که همراه معمین و مکلاهای همطراز خود، همان هایی بودند که سه فرزند جوان او را به دنبال فرزند اول او که قربانی دوران شاه بود به جرم مخالفت با خودکامگی و توحش مدافعان شریعت نابود و خانه او را که سفره خانه شریعتمداران متظاهر به آزادیخواهی بود مصادره کردند و راهی برای او جز اسارت در چنگ رهنان انقلاب و یا گریز ناگزیر از دیار خود باقی نگذاشتند که به زبان واعظان منبر «الفرار مما لا یطاق من سنن المرسلین» او مردی آزاده بود که سر بر آستانه ی هیچ قدرتی خم نکرد اما تا مغز استخوان نسبت به امران خوشبختی و رهایی مردم وطن خود وفادار و فداکار باقی ماند.

روانش شاد که با سرافرازی و آزادی از جهنم پر هیاهوی شقاوت بشری عبور کرد و با وجدان آسوده به بهشت آرامش طبیعت رسید.

سی ام آذرماه ۱۳۸۷
علی اصغر حاج سید جوادی